



دری جان پارسی و لهجه تاجیکی آن, پدیداری عمق کیفی

مرز گزاری زبان های انگلیسی در تنوع لهجه های چون: آمریکای انگلستانی و استرالیایی و چندین لهجه دیگر که اکنون در روی زمین مشهود بوده در سمع و این تنوع یعنی مرز گزاری از تنوع لهجه مرز بندی از نطفه در زبان انگلیسی گفته نمی شود.

همین طور لهجه شرین دری در افغانستان و لهجه نهایت زیبای تاجیکی که خیلی از واژه های کهن و باستانی پارسی را می تواند در آن پیدا نمود و بی نهایت لذت بخش است. که جدا کردن زبان بخاطر لهجه تجلای جوهر خرد نیست که بی انصافی و بیسواد و یا می شود مرض باطنی فردی گفت.

من اکنون که این مطلب را می نویسم از طرف پدر از قوم پشتون یعنی ابراهیم خیل که از لغمان به کابل پدرهای ما در گذشته ها ناقل شده بودند که سلسله اجداد ما به ملا فیض محمد قاضی القضاة دربار عبدالرحمن خان می رسد.

و بی نهایت این مرض خطرناک بوده که حتی در جامعه سیاسی افغانستان عمیقاً بی خردانه وارد شده و نقض حقوق انسانی در مقدم در حیطه حقوق فرهنگ ها می کند. و من که تخصص حقوق دارم بخاطریکه از قوم پشتون هستم خاموش باشم اولاً همین علم منرا لعنت می کند و ثانیاً انسان نه یک حیوان درنده پیش نباشم که بخاطر غریزه خود در این مورد نوشته نکنم.

عبدالرحمن خان که شاه مطلقه یا خدا شاهی بود با همه نقد هایکه بالایش واردست. نظامنامه ادارات را برای اولین در افغانستان به فارسی می نویسد اقبال لاهوری به فارسی یا همانا پارسی می نویسد محمد عثمان بادخوابی از بادخواب لوگر مثنوی عرفانی اش را به پارسی می نویسد...

زیرا چون دولت عظمای یعنی سیر عرفانی اسلامی یا انکار باطنی از ابوبکر صدیق رض در خراسان توسط سلمان فارس رض نقل سینه ها می کند. و همچون بایزید بسطامی حسن خرقانی خواجه بهاء الدین نقشبندی مولانا جلال محمد بلخی و هزار اندر هزار مرد خدا در این مهد عشق و عرفان یعنی خراسان سیرآب کرده و فیوض حق را از سینه ها در کلمات یا واژه های دُر بی پایان پارسی پدیدار می کنند.

البته می توان از هر زبان بقدر کیفیت آن استفاده کرد الحق و الانصاف در بین زبان های شیرین و متنوع در افغانستان هیچ زبان مانند پارسی غنی نیست. اگر نمی دانید خوبست بدانید یا مراجع کنید به روان پزشکی ولی این تکالیف تان را هرگز در مقابل چنین دریای بیکران اظهار نکنید که خودرا خجل روانی و بیسواد محض معرفی می کنید.

چند مزایای پارسی:

- سینه مبارک و مقام رسالت نبوی از ضمیر متعالی اش همانا حبیب مبنا به قرآن بوده یعنی فرض کنیم آنجناب در گوشه دیگر از دنیا می بود قرآن به همان زبان پدیدار می شد و بعد از قرآن در عربی تفسیر بی پایان قرآن این عرفان هست که اکثریت فیض حق را یعنی حکمت و عرفان را برای ما در پارسی گفته اند و این اراده خداوند است.

- بیشتر یا کمتر از دو صد میلیون گوینده در سراسر دنیا دارد پارسی که موارد سیاسی بین المللی نباشد در حیطة حقوق بین الملل می توان فارسی را درج زبان های رسمی سازمان کرد.
 - اکنون چهارم که چندی بعد می توان زبان سوم در کانادا گفت پارسی را.
 - بروز منابع علمی ما در افغانستان همه از کتب و سایت های پارسی و کسانیکه که کتاب در هر موردی بنویسند قطعاً تنها تکیه کردن به ترجمه متن از انگلیسی یا سایر زبان ها نمی توانند.
- و چندین مورد دیگرست که بگونه فشرده می توان گفت چون ماشین توسعه تحقیق برای پیشرفت افغانستان است پس چرا پارسی را تکریم نکنیم؟ و استفاده نکنیم؟ و یا هم اگر اینطور تر شود: که من تاجیک یا پشتون یا ازبک و غیره بخاطر قوم و زبان تصاحب امتیاز و قدرت کنم؟ جهل محض و نوع بت درونی در مقابل حق بوده که توسط زبان در کلمات زهرآلود جامعه را ویران کرده است...

خموشی دل!

می جوشم و می نوشم کز خُم انالحق ها
 زخموشی دل بیرون مرو که دام ها
 چو قُم باذن الله او گوید نه من با ما
 سبحانی بهر نفس مگنرد ز تیغ ها
 فغان از آرامش بیرون دل پُر چلاش
 ندانم کی می گوید در عالم خموشی ها
 زبان دل پُر دُر سینه سوزان چه مستور
 شاه عرب را دیدم در سیر پهلوی ها
 هر طرف بشتافتی لاف تقوا بگزیدی
 کمی نیندیشدی نخرد جز سوخته دلها
 نصایح چرا گویم دل در فنایش دارم
 ز آن طرف پرده گویم هوشم ز نوش ها
 فقیریم چو گم شد در کجا توان یافتن؟
 تاخویش را جُستن در مطلقش روبرو ها

محمد آصف فقیری

بیايد آنچه حق است بگويم...



برای مطالب دیگر محمد آصف فقیری روی عکس کلیک کنید